

## بررسی سیر تحولات کارکردهای ازدواج و فرزندآوری در سه نسل متوالی در دو خانواده روستایی (مطالعه موردی: روستای حصارخروان استان قزوین)

زهره نجفی اصل<sup>۱</sup>

محمود قاضی طباطبایی<sup>۲</sup>

به دنبال تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان، بسیاری از کارکردهای خانواده دچار تحولات چشمگیری گشته است. به طوری که به دنبال صنعتی شدن جوامع، از میزان بارداری تا حدود زیادی کاسته شده و افراد به دنبال دستیابی به فرصت‌های بهتر زندگی، زمان ازدواج خود را به زمان‌های دیگری در آینده موکول می‌نمایند. این تغییرات جهانی، کشور ما و جامعه روستایی آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. هدف این پژوهش دستیابی به تحولات نسلی کارکرد ازدواج و تولید مثل خانواده روستایی است. برای رسیدن به این هدف، روستای حصارخروان استان قزوین و دو خانواده روستایی آن در طول سه نسل (۹۷ نفر) مورد بررسی واقع شدند. روش کیفی مورد استفاده روش تاریخ زندگی است که نشان می‌دهد چگونه رفتارهای فردی، در زمینه‌های اجتماعی و تاریخی ریشه دارند و آن زمینه‌های اجتماعی و تاریخی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. نتایج، حاکی از آن است که سیاست‌های دولت‌های وقت در جهت دهی به این رفتارها نقش موثر داشته‌اند بطوری که امروزه شاهد غلبه کارکرد کامیابی جنسی بر کارکرد تولید مثل و شاید دیگر کارکردها و ارزش‌های خانواده هستیم

واژه‌های کلیدی: مدرنیزاسیون، کارکرد تولید مثل، تحولات نظام ارزشی، خانواده روستایی، روش تاریخ زندگی.

۱. استادیار گروه رفاه و برنامه‌ریزی دانشگاه تهران، najafiasl@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، smghazi@ut.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

به دنبال تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی‌ای که در پی مدرن‌سازی جوامع پدید آمد، دگرگونی‌های فراوانی در ساختار خانواده و به تبع آن کارکردهایش در سراسر جهان ایجاد شد. در چنین شرایطی می‌باید، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهایی که الزامات و نیازهای ساختار جدید را تأمین می‌کرد به وجود می‌آمد و الگوهای جدید زندگی با سبک‌های خاص خود نمایان می‌شد تا کارکردهای مورد نیاز نظام اجتماعی جدید فراهم می‌آمد.

این پدیده در جامعه روستایی ایران نیز به تبع شهرها تحت تأثیر ورود و حضور عناصری تحت عنوان مدرنیزاسیون (در مقاطع مختلف زمانی توسط حکام وقت) پدید آمده است، که پی‌آیند سازوکاری درون‌زا نبودند و ساختارها و کارکردهای خانواده را دچار چالش‌های فراوانی کردند. در این راستا همه جوامع به یک نسبت در معرض تغییرات بیرونی قرار نگرفته‌اند و شدت تأثیرپذیری آنها متفاوت است. به‌طور مثال طرح دشت قزوین که از سال ۱۳۴۲ براساس قراردادی بین وزارت کشاورزی و مهندسین مشاور تهال (با ورود عوامل خارجی اسرائیلی) منعقد شد، شکل و ترکیب موسسات اجتماعی روستایی (این خطه) را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با تغییرات کمی و کیفی فراوانی مواجه ساخت. سپاهیان انقلاب (سپاه دانش، ترویج، بهداشت برای کاهش موالید و بهبود وضعیت سلامتی روستاییان، عدالت) که متعاقب اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ وارد بعضی از روستاهای کشور شدند، منشأ تغییرات فراوانی در زمینه‌های مختلف و از جمله زاد و ولد شدند. برنامه‌های رسمی تنظیم خانواده در سال ۱۳۴۶ با قصد دستکاری ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی در جهت کاهش موالید انجام شد و بالاخره پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ برای ایجاد آرامش در جامعه روستایی، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی وارد روستا شدند. (هیأت ۷ نفره واگذاری زمین، جهاد کشاورزی و مدارس در مقاطع گوناگون برای دختران و پسران، تلویزیون و... ) که هر یک با اقدامات گوناگون خود جامعه روستایی را در معرض تغییرات گوناگونی قرار دادند. این روند پس از جنگ تحمیلی ایران و عراق با تغییراتی نسبت به اوایل دوره انقلاب اسلامی و حین جنگ تحمیلی ادامه یافت که در برنامه جدید تنظیم خانواده که به‌طور رسمی از سال ۱۳۶۸ شروع شد، مشهود است. با توجه به این که در مطالعات گذشته، چندان به تحولات نسلی به لحاظ ارزشی و با روش‌های کیفی در جوامع روستایی پرداخته نشده، در این مقاله سعی شده تا تحولات صورت گرفته در رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های خانواده روستایی نسبت به کارکرد ازدواج، فرزندآوری در طول ۳ نسل در نیم قرن اخیر با توجه به رویدادهای تاریخی کشور و ویژه روستای منتخب مورد بررسی قرارگیرد برای محقق شدن این هدف با رویکردی درون‌گرایانه از یکی از روش‌های کیفی (روش تاریخ زندگی<sup>۱</sup>) و تکنیک‌های مرتبط جمع‌آوری داده‌ها در این روش (انواع مشاهده، انواع

1. Life history method

مصاحبه، استفاده از اسناد و مدارک، داستان‌سرایی، شجره‌نامه) استفاده شده تا عوامل ایجادکننده تغییرات و دامنه تغییرات مشخص گردد. زیرا بسیاری از تغییرات متأثر از بافت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه است و برای محقق شدن آنها وجود زمینه‌های وقوع آن ضروری است.

## روندها و دیدگاه‌ها

از دیرباز جامعه ایرانی، جامعه‌ای مبتنی بر سنت و مذهب بوده است. در اصول سنتی و مذهبی ایرانی بر نقش و کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده برای رسیدن به سکون و آرامش و حفظ ایمان و کارکرد فرزندآوری به عنوان عامل ایجادکننده آرامش روانی والدین تأکید فراوانی شده است. به‌طور مثال در جلد پانزدهم و سائل‌الشیعه در باب یادآوری ارزش‌ها و منافع دنیوی فرزندان برای والدین، فرزندان موجد انس پدر و مادر و خروج آنها از تنهایی، یار و یاور پدر و مادر و یادگارهای آنها پس از مرگ خطاب شده‌اند. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۵: ۹۶، ۹۹، ۱۰۶ به نقل از بستان، ۱۳۸۸: ۲۱۵) و به پاداش اخروی صبر والدین در دشواری‌های تربیت فرزند و پاداش‌هایی که در نتیجه کارهای نیک فرزند برای پدر و مادر حاصل می‌شود، اشاره شده است. علاوه بر این اسلام، با دستیابی به لذت و کام‌جویی جنسی در حیطه ازدواج مخالفتی ندارد، ولی تنها هدف از آمیزش جنسی را لذت و کام‌جویی نمی‌داند و معتقد است افراد باایمان باید از این موضوع برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده نمایند و این خدمت مقدس تربیتی را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای خود از پیش بفرستند (تفسیر نمونه، ج ۲، ۹۶). این در حالی است که در غرب در راستای مدرن شدن جوامع و از دست رفتن نقش تولیدکنندگی کالا توسط خانواده، نرخ باروری پایین آمد و آهنگ طلاق رو به فزونی گذاشت و جنبش کنترل باروری نوید می‌داد تا زنان را از چرخه استبداد تولیدمثل که پیشتر، تنها هدف جنس مادینه قلمداد می‌شد، رها سازد. با کنترل باروری، این نوید می‌رفت که رابطه جنسی به جای آن که در خدمت تولیدمثل اجباری برای اجتماع باشد به خودی خود هدف تصور شود (زارتسکی، ۱۳۹۰).

اولین علامت گذار دوم جمعیتی<sup>۱</sup> از دهه ۱۹۵۰ ظاهر شد، نرخ طلاق بویژه در ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی افزایش یافت و این ایده که "طلاق خوب بهتر از ازدواج بد است" مطرح شد و بعد از آن در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ زاد و ولد کاهش یافت و بحث‌هایی به منظور جلوگیری از تبعات منفی بیش‌زایی در جامعه آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و سن اولین ازدواج بالا رفت و تعداد فراد مجرد رو به افزایش نهاد و هم‌بالینی‌های خارج از ازدواج به دنبال آن گسترش یافت (کولتر، ۲۰۱۰: ۳). در واقع به موازات انقلاب الکترونیکی و تقریباً هم‌زمان با آن، انقلاب دیگری در تکنولوژی کنترل

1. Second Demographic Transition  
2. Colter

موالید روی داد. با این انقلاب روش‌های سنتی و غیر قابل اعتماد، جای خود را به روش‌های جدید و مطمئن دادند. (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۳). این تحولات در جوامع شهری و به تبعیت از آن جوامع روستایی، اگرچه نه دقیقاً به شکل غربی ولی با تفاوت‌هایی از آن صورت گرفته است. به طوری که بسیاری از زنان به دنبال تغییر شرایط اجتماعی، امکان دستیابی به تحصیلات، ارتباط با مراکز شهری، دستیابی به ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های روز، بهبود وضعیت اقتصادی و... سبک‌های جدیدی را برای زندگی خود انتخاب کرده‌اند که در آن حق و حقوق خاصی برایشان متصور شده است که از آن جمله می‌توان به فرزندآوری به تعداد محدود و در زمان‌های دورتر بعد از ازدواج و حق پایان دادن به زندگی شخصی در صورت وجود نامالیقات اشاره کرد.

به نظر عسکری ندوشن (۱۳۸۸) با تجدید سازمان و فعالیت‌ها و با انتقال مسئولیت‌ها به نهادهای بیرونی، توانایی خانواده در کنترل بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی افراد نظیر زمان‌بندی ازدواج و فرزندآوری کاهش می‌یابد. افزایش جمعیت، مهاجرت‌های روستا به شهر و جابجایی‌های دائمی التزاید درون شهری نقش نظارتی محله را به عنوان یک اجتماع درون شهری تضعیف کرد. در نتیجه نفوذ جامعه بر فرد تضعیف شد و دامنه اختیارات فرد، چه به لحاظ نگرشی و چه به لحاظ رفتاری در حوزه‌های عمدتاً غیر سیاسی وسیع شد. در نتیجه انتظارات جا افتاده جامعه هم دچار فرسایش شدند و از قدرت و نفوذشان کاسته شد. در جریان این تحولات، فردیت از نوع ایرانی آن، عمدتاً در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، عرصه بیشتری برای تجلی پیدا کرد (سرایی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۳). در واقع انقباض کارکردهای خانواده و مصرفی شدن هرچه بیشتر آن، لزوم داشتن فرزندان بیشتر را کاهش داده است و ورود فرزندان به مراکز آموزش رسمی باعث شده بسیاری از ساعت‌های روز، فرزندان در محیطی خارج از منزل به یادگیری بپردازند و در خدمت خانواده‌های خود نباشند.

بوردیو نیز بر این باور است که مدرسه سهمی در بازتولید روابط ایجاد شده بین طبقات اجتماعی دارد و سرمایه فرهنگی را بین این طبقات باز تولید می‌کند. انتخاب، با اعمال معناهایی متعلق به طبقه مسلط صورت می‌گیرد که اجباری است، اما با عمل تربیتی و یا پرورشی یا کودک پروری مشروعیت می‌یابد (زنجانی‌زاده: ۱۳۸۶). وی معتقد است انسان همواره به لحاظ ساختاری در فضای اجتماعی چند بعدی جا گرفته است که عمدتاً بر مبنای موقعیت طبقه اجتماعی اش تعریف می‌شود (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۷) و انسان‌ها عاملان فعالی هستند که سرنوشت‌شان به تمامی در دست‌شان قرار ندارد. از نظر اوکنش موجود در یک عرصه بازتاب مکانیکی موقعیت‌های تثبیت شده نیست، بلکه محصول انواع طرح‌های متضاد موضع‌گیری‌ها است (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

علاوه بر این رشد تمایلات مصرفی و انتظارات اقتصادی نیز به طیف وسیعی از رفتارها و نگرش‌های جمعیتی افراد نظیر باروری پایین‌تر، ازدواج دیرتر و... اثر می‌گذارد. (عسکری ندوشن و دیگران: ۱۳۹۰).

تکنولوژی‌های جدید نیز عامل دیگری در ایجاد تحولات در میزان باروری و کارکرد تولید مثل خانواده بوده است. افزایش امید به زندگی، کاهش زاد و ولد که باعث شده بزرگسالان سالهای بیشتری را بدون فرزند بگذرانند و ایجاد فرصت‌های بیشتر از جمله تبعات تکنولوژی‌های جدید می‌باشد (جایاکودی، تورنتون و آکسین، ۲۰۰۸: ۶).

در واقع در دنیای امروز، تصمیمات مهم در خانواده مانند تصمیم برای بچه‌دار شدن بیشتر تصمیمی عاطفی است تا اقتصادی. زیرا با گسترش بازار آزاد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، فرزندآوری و داشتن فرزند یک هزینه اقتصادی بزرگ است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۶). به بیان کالدول امروزه جریان پول، کالا، خدمات و تعهدات از سوی والدین به کودکان است. از نظری انتقال از یک رژیم باروری طبیعی به یک رژیم باروری کنترل شده از طریق معکوس شدن جریان ثروت صورت می‌گیرد. در دنیای مدرن به فرزندان، از نظر اقتصادی ارزش پایینی داده می‌شود و به کیفیت فرزندان توجه می‌شود و فرزند، دارای بار اقتصادی است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۰۰). بعضی دانشمندان معتقدند روش‌های مختلف کنترل بارداری باعث جدایی روابط جنسی و پرورش کودک، تأخیر در ازدواج، افزایش هم‌بالینی خارج از ازدواج و افزایش اشتغال زنان شده است (بیلی، ۲۰۰۴؛ گلدن و اسکاتز، ۲۰۰۰). علاوه بر این جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل‌دهنده روابط افراد محسوب می‌شود، به طوری که مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری یافته است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن‌سازی، رژیم‌های غذایی تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای مراقبت از بدن پایدار شده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۴۹) که در کشورهای توسعه نیافته این‌گونه تغییرات بسیار چشمگیر است.

اگر در جوامع سنتی، زنان به ازدواج و فرزندآوری به عنوان وسیله‌ای برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی می‌نگریستند و ازدواج و فرزندآوری زود هنگام با افزایش ارزشمندی زنان ارتباط داشت و اگر طلاق و جدایی که در موارد نادر صورت می‌گرفت، به عنوان امری مذموم در نظر گرفته می‌شد، امروزه شرایط بسیار تغییر کرده است. در دنیای معاصر، سن ازدواج زنان از انحصار عامل اقتصادی خارج شده و تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی قرار گرفته است که این مهم نیز بر تحولات کارکرد تولید مثل خانواده‌ها بسیار مؤثر بوده است. از دیدگاه کارکردی، تحول اجتماعی و صنعتی شدن جامعه و پیدایش نهادهای جدید به عنوان عامل عمده در کم شدن ابعاد خانواده معرفی می‌شود.

1. Jayakody, Thornton, Axinn
2. Bailey
3. Golden & Skatz

## روش تحقیق

در این پژوهش، برای دستیابی به تغییرات کارکردهای فرزندآوری و عوامل مؤثر بر آن در طول ۳ نسل در دو خانواده روستایی حصارخروانی، بنا شد از یکی از روشهای کیفی (روش تاریخ زندگی)<sup>۱</sup> استفاده شود. زیرا همانطور که مارشال وراس من<sup>۲</sup> (۱۳۷۷: ۱۲۳-۱۲۲) به آن اشاره دارند با بکارگیری این روش می‌توان از مسیر تکامل الگوهای فرهنگی و شیوه‌ای که این الگوها با زندگی فرد، ارتباط برقرار می‌کنند (اهمیت آنها و شیوه واکنش فرد) آگاه شد و از این طریق نشان داد که در هر مرحله از زندگی فرد، چه عواملی بر روی زندگی افراد، اثر گذاشته و در این مراحل و تحت تأثیر این عوامل، افراد چگونه تصمیمات مختلفی را برای زندگی خود اخذ کرده‌اند. (کاسپر و بیانچی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲)

بنابراین زمانی می‌توان تحلیل درستی از روال زندگی يك فرد داشته باشیم که هريك از این تصمیمات را با توجه به شرایطی که تصمیم‌گیری در آن روی داده است، مورد مطالعه قرار دهیم (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۳۲۶). بررسی مسیر زندگی، تأثیر متقابل بین زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، عامل انسانی و زمان را نشان می‌دهد (جیل<sup>۴</sup> و الدر، ۱۹۹۸). این عوامل به هم تنیده است. چنانکه طرز تلقی‌ها و اعمال فردی نه فقط به موقعیت‌ها در سطح کوچک و ساختارها در سطح بزرگ بستگی دارد، بلکه به زمینه تاریخی و فعالیت مفید شخصی نیز وابسته است (برانفنبیری نر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۹؛ مرتیمر و شاناهان، ۲۰۰۳).

طبق دستورکار در روش تاریخ زندگی، برای جمع‌آوری اطلاعات افراد دو خانواده روستایی حصارخروانی در طول سه نسل و پی‌گیری تأثیر عوامل یادشده بر نحوه تصمیمات شخصی افراد این دو خانواده، از LHC<sup>۶</sup> استفاده شد.

از بدوکار، LHC (به عنوان رکن مهم در روش تاریخ زندگی) برای پژوهش‌های کیفی با مقیاس بزرگ استفاده شده است (آکسین، پیرس و جی مایر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹).

این ابداع روش شناسانه توسط مارتین<sup>۸</sup> و بلی ایجاد شده است. از نظر او LHCها "می‌توانند در پژوهش‌های کیفی استفاده شوند و از این طریق محرك بحث در مورد تجربیات گذشته و زیربنای

1. Life history
2. Marshal & Rusman
3. Casper & Bianchi
4. Giele & Elder
5. Bronfenbrenner, Mortimer & Shanahan
6. Life history Calander
7. Axin, Pearce and Ghimire
8. Martyn & Belli

فرایندی بشوند که به بیان رفتار، طرز تلقی‌ها و احساسات کمک می‌کنند" (۲۰۰۲: ۲۷۲-۲۷۱). دولارد<sup>۱</sup> (۱۹۳۵)، تاریخ زندگی را اقدامی آگاهانه برای بیان رشد فرد در یک محیط فرهنگی و معنا بخشیدن به آن می‌داند.

LHC، ماتریس چاپ شده‌ای با علامت موقتی (نقاط عطف زمانی) است که به طورافقی چاپ می‌شود و علامت، حوزه‌هایی (حوزه‌های پژوهش) است که به صورت عمودی فهرست شده است. (نلسون<sup>۲</sup>، ۴۱۴۲۰۱۰)

بنابراین همانطور که در ذیل مشاهده می‌شود نقاط عطف زمانی و یا به تعبیر دیگر عوامل مؤثر بر تغییرات در محور افقی ماتریس واقع شده است و حوزه‌های تغییر یافته و مورد بررسی در محور عمودی قرار گرفته است. از طریق گردآوری اطلاعات اشخاص طی دوره‌های زمانی یاد شده و مقایسه این اطلاعات در گروه‌های سنی مختلف (طی سه نسل) می‌توان به روند تغییرات صورت گرفته در کارکردهای فرزندآوری دست یافت. بنابراین برای رسیدن به این مهم، نقطه شروع را ازدواج و اهمیت و کارکردهای آن طی دوره‌های زمانی مختلف قرار می‌دهیم و با پی‌گیری نوع خانواده در سه نسل به اهمیت فرزند به لحاظ بعد خانواده و کارکرد فرزندآوری می‌پردازیم.

#### ماتریس LHC

| زمان   | پایان | جنگ | انقلاب      | پیشروی طرح دشت | اصلاحات ارضی ۱۳۴۷ و | قبل از | زمان    |
|--|-------|-----|-------------|----------------|---------------------|--------|---------|
| حال ۱۳۹۰   | جنگ   | .   | پیروزی ۱۳۵۷ | قزوین ۱۳۴۸     | شروع طرح قزوین ۱۳۴۲ | ۱۳۴۲   | حوزه‌ها |
| اهمیت و کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده                |       |     |             |                |                     |        |         |
| اهمیت فرزندان به لحاظ بعد خانواده و کارکرد فرزندآوری |       |     |             |                |                     |        |         |

#### جامعه هدف

از آنجایی که بنا شد روند تحولات خانواده از بعد اصلاحات ارضی مورد پیگیری قرار گیرد، باید از بین خانواده‌های روستایی (حصارخروان) آن خانواده‌هایی که در زمان اصلاحات ارضی دهه ۴۰ صاحب نسق بودند، به عنوان جامعه هدف انتخاب شوند. تعداد افراد صاحب نسق در روستای حصار ۱۷۸ نفر

1. Dollard  
2. Nelson

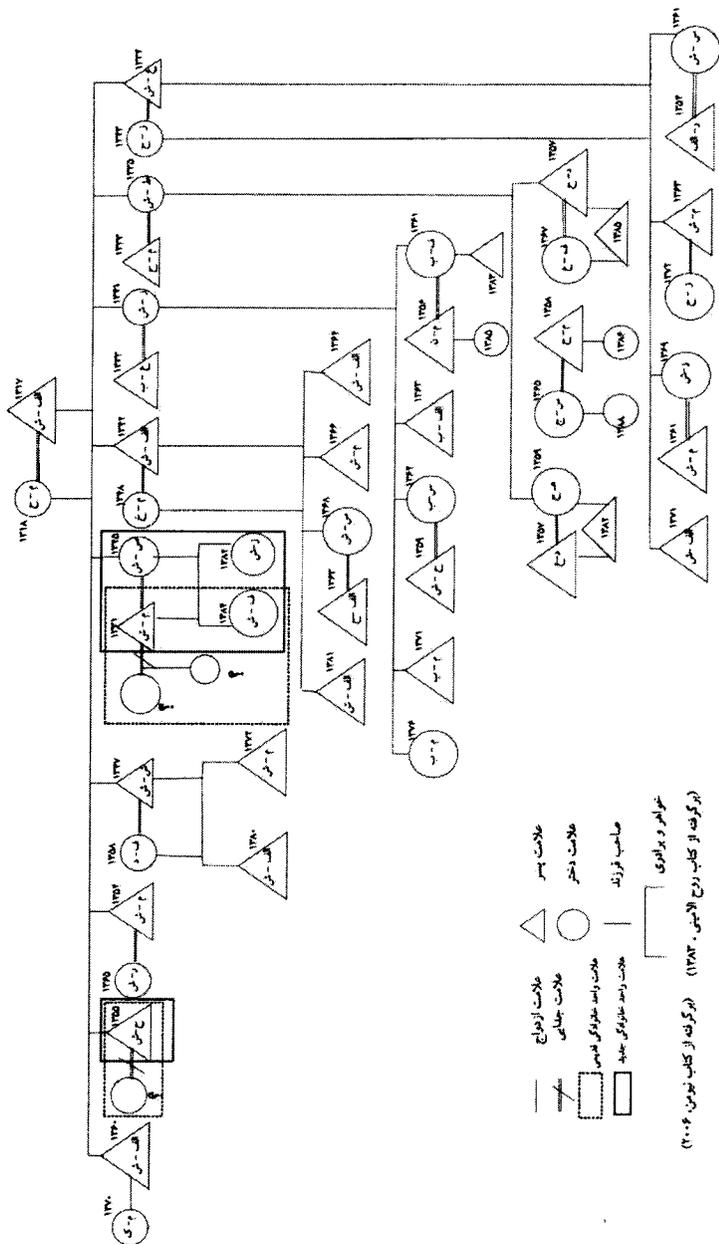
و در روستای خروان ۱۶۱ نفر بود. (لازم به ذکر است در این زمان هنوز دو روستای حصارخروان و خروان با هم ادغام نشده بود).

### روش نمونه‌گیری و تعیین جامعه مشارکت‌کننده

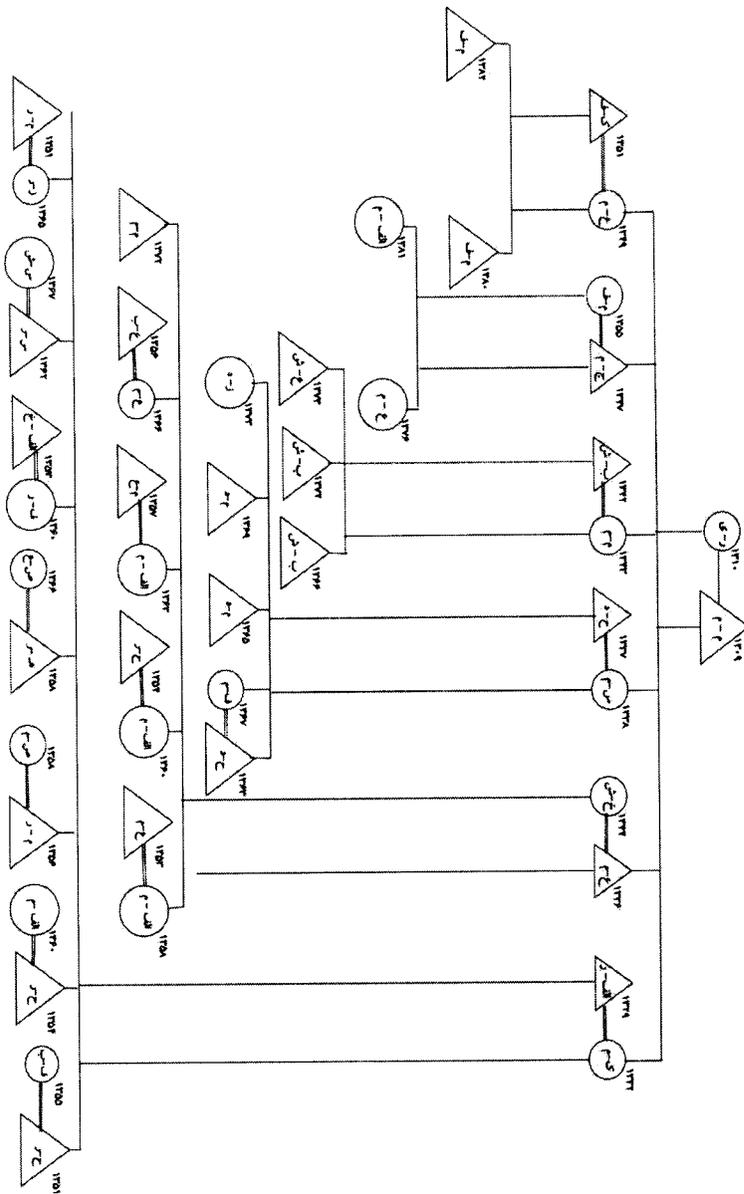
در این پژوهش از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شد و دو خانواده که یکی از آنها در زمان اصلاحات ارضی ساکن در روستای حصار و دیگری ساکن در روستای خروان بوده‌اند، انتخاب شدند. علاوه بر این معیار، حضور عمده افراد این دو خانواده در جامعه روستایی و عدم مهاجرت آنها به شهرهای مختلف و تمایل به پاسخگویی از ملاک‌های دیگر انتخاب این دو خانواده بود که در مطالعات اکتشافی صورت گرفته این اطلاعات بدست آمد. بنابراین دو خانواده الف (صاحب نسق زراعی، دارای سهمی معادل ۳۰ هکتار در زمان اصلاحات ارضی به عنوان حق نسق و ۱۲ هکتار زمین کناره‌کاری (خرده مالکی) و خانواده ب (صاحب نسق زراعی، دارای سهم معادل ۸ هکتار در زمان اصلاحات ارضی به عنوان حق نسق و بدون اراضی کناره‌کاری) به عنوان دو خانواده مورد بررسی انتخاب شوند. این دو خانواده در طی سه نسل مورد پژوهش قرار گرفتند. (مجموعاً در هر دو خانواده الف و ب، ۹۷ نفر). شجره‌نامه نسلی خانواده الف و ب، به تفکیک زنان و مردان در دو نسل در نمودار ۱ و ۲ نشان داده شده است.

بررسی سیر تحولات کارکردهای ازدواج و فرزندآوری در سه نسل متوالی در دو خانواده روستایی

نمودار شماره ۱. شجره‌نامه نسلی خانواده الف



نمودار شماره ۲. شجره‌نامه نسلی خانواده ب



همانطور که مشاهده می‌شود مردان خانواده با علامت مثلث و زنان با علامت دایره مشخص شده‌اند و روابط همسری و خواهر و برادری با خطوطی مشخص شده که در پایین شجره‌نامه آورده شده است. خطوط توپر علامت واحدهای خانوادگی جدید و خطوط نقطه‌چین نشان از واحد خانوادگی قبل از جدایی زن و مرد می‌باشد. البته در این تحقیق، تطابق سنی بعضی از افراد در نسل دوم و سوم، لزوم ایجاد گروه‌بندی جدیدی، نه براساس روابط خونی بلکه براساس سن را پدید آورده است. بنابراین سه نسل مورد بررسی براساس سه گروه‌بندی سنی کلی در نظر گرفته شدند که در گروه اول (نسل اول از نظر سنی) افرادی را شامل می‌شود که در اوج جریان اصلاحات ارضی (یعنی در سال ۱۳۴۷) حداقل ۱۵ ساله بودند. فلسفه انتخاب سن ۱۵ سالگی نیز سن بلوغ مردان است که بیشتر با اصلاحات ارضی درگیر بوده‌اند. بنابراین افراد متولد سال ۱۳۳۲ به قبل در این گروه قرار می‌گیرند.

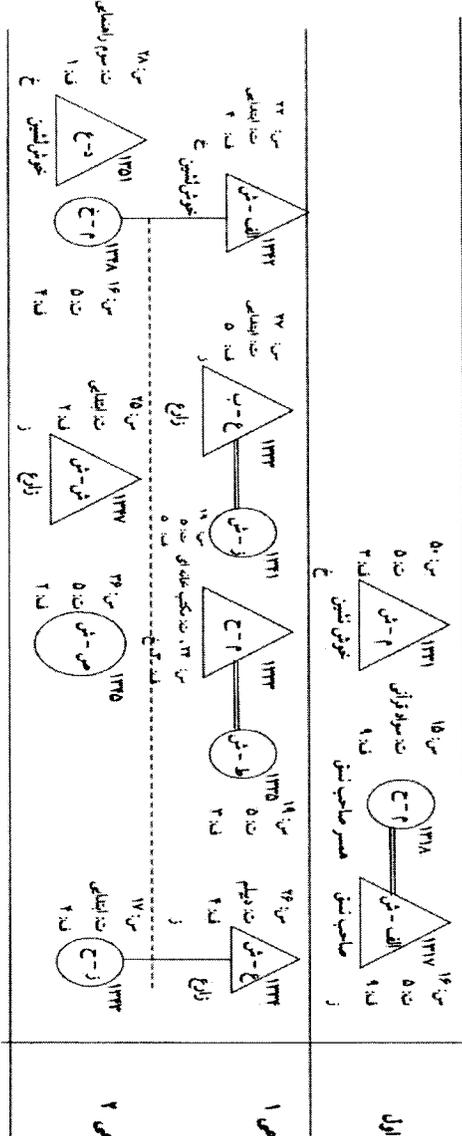
در گروه دوم سنی، افراد متولد بین سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۴ قرار گرفته‌اند که شامل افرادی می‌شوند که در سن ۱۴-۱۵ سالگی و بیشتر، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (به عنوان گروه فرعی ۱) و در سن ۱۵ سالگی و بیشتر پایان جنگ و روزهای جنگ (به عنوان گروه فرعی ۲) را تجربه کرده‌اند.

در ادامه تقسیم‌بندی سنی به گروه سنی سوم می‌رسیم که متولدین ۱۳۵۴ به بعد را شامل می‌شود. متولدین ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۰ به عنوان گروه فرعی ۱ و متولدین دهه ۷۰ و ۸۰ به عنوان گروه فرعی ۲ که در ادامه افراد و خانواده در این گروه‌بندی‌های سنی در جدا اول ۱ و ۲ نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱. گروه بندی سنی در خانواده الف

مردم: نام  
 زن: تاریخ  
 ب: بکریت

مردم: سن ازدواج  
 زن: میزان تحصیلات  
 ب: سن فرزندان



(مردم) ۷۰ تا ۱۳۵۴  
 (مردم) ۱۳۳۳-۱۳۳۳  
 (مردم) ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۰

گروه اول  
 گروه دوم  
 گروه سوم







## یافته‌های پژوهش

با توجه به اطلاعاتی که در ماتریس‌های تاریخ‌زندگی با استفاده از تکنیک‌های مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی)، مصاحبه (گروهی، عمیق) اسناد و مدارک، داستان‌سرایی و شجره‌نامه در ۳ نسل و ۹۷ مشارکت‌کننده بدست آمد و مقایسه آنها در هر گروه سنی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

### گروه سنی اول

مجموعاً شامل ۷ نفر (۴ مرد و ۳ زن) در هر دو خانواده می‌باشد که ۲ نفر از مردان در قید حیات نمی‌باشند و اطلاعات مربوط به ایشان از همسران و فرزندان آنها گردآوری شد.

#### اهمیت و کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده

از آنجاییکه در این دوران ازدواج به عنوان میثاقی اجتماعی تلقی می‌شد که همه افراد خانواده و فامیل به گونه‌ای در مراحل مختلف آن اعم از یافتن فرد مناسب برای ازدواج، خواستگاری، کمک در مراسم گوناگون، ازدواج و به عهده‌گیری هزینه‌های ازدواج مشارکت داشتند، بنابراین ازدواج نه تنها از عمومیت بالایی برخوردار بود بلکه در سنین پایین نیز صورت می‌پذیرفت. در واقع در این دوران، ازدواج برای مردان، امکان ورود فردی را به خانواده گسترده فراهم ساخت (نیروی کار) که غالباً باید تحت هر شرایطی به زندگی خود ادامه دهد. از طرف دیگر مجرد طولانی برای دختران امری پسندیده محسوب نمی‌شد و مایه نگرانی خانواده‌های دختران را فراهم می‌کرد.

#### اهمیت فرزند به لحاظ بعد خانواده (تعداد فرزندان و کارکرد فرزندآوری):

در این گروه سنی به دلیل عدم پیشرفت جامعه روستایی (نبود ابزار آسان‌کننده فعالیت‌های خانگی، آب لوله‌کشی و نفت و گاز و ماشین آلات کشاورزی و ...) مرگ و میر نوزادان و سبقه فرهنگی که تعداد بیشتر فرزندان را مایه مباهات خانواده می‌دانست، لزوم تعداد بیشتر فرزند (بویژه فرزند ذکور) به دلیل مجموع عوامل عنوان شده برای خانواده‌های روستایی بیشتر احساس می‌شد. در این ارتباط خانمی (خانم ر - ی متولد ۱۳۱۰) از خانواده ب عنوان داشتند:

«باید تعداد بیشتری بچه داشته باشیم تا هر یک گوشه‌ای از کار را بگیرد، یکی هیزم بیاورد، یکی آب، یکی به صحرا رود، یکی دنبال گوسفند، یکی در پخت و پز و بچه‌داری کمک کند. بنابراین زاد و ولد زیاد بود.»

خانم دیگری (خانم م - ح متولد ۱۳۱۸) از خانواده الف عنوان داشتند:

«چون آن موقع دکترو دوائی نبود و تا روز آخر آبستنی مان کار می‌کردیم و به خودمان نمی‌رسیدیم، تعداد زیادی از بچه‌هایمان می‌مردند (۵ تا از فرزندان ایشان در سنین کودکی و در هنگام زایمان فوت شده بودند) برای همین چاره‌ای نداشتیم باید بچه‌های زیادی می‌زاییدیم

که چندتا از آنها برای مان بمانند. از طرف دیگر مادرشوهرم تعداد بیشتری بچه داشته باشیم.»

بنابراین همانطور که عنوان گشت ارزشهای غالب در جامعه روستایی که تعداد بیشتر فرزندان (بویژه پسر) را مایه مباهات و منزلت خانواده می دانست، عدم دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی که باعث مرگ و میر فراوان کودکان می شد، (بویژه در دوران کم آبی و کم‌میایی غذا ناشی از زلزله و حفر چاههای غیراصولی و عمیق طرح دشت قزوین در اوایل انجام پروژه) و خشکاندن تعدادی از قنوت، لزوم تعدد موالید را در جامعه روستایی حصارخروان ایجاد می کرد. ورود سپاهیان بهداشت بعد از اصلاحات ارضی نیز در این گروه سنی موجبات تحولات خاصی نشد. زیرا عمده زنان در این گروه سنی به پایان دوران باروری خود رسیده بودند و بسترسازی‌های مناسب برای تحقق ایده‌هایی جهت کاهش فرزندآوری صورت نگرفته بود و نمی توانست به صورت انی مورد پذیرش قرار گیرد.

به طور کل در این طیف سنی، کامجویی جنسی، مرد محور، امری گریزناپذیر در جهت بقای نسل بوده است و هنوز عشق به معنای تمایز قائل شدن بین دختران و پسران به عنوان همراهان زندگی وجود نداشت و تقریباً از نظر جنس مذکر، جنس مؤنث دارای تفاوت‌های خاصی نبود و صرفاً وسیله‌ای برای ادامه زندگی و بقای نسل و نیروی کار اضافی مورد نیاز بود.

در این ارتباط خانمی (ر-ی) متولد ۱۳۱۰ از خانواده ب عنوان داشتند:

وقتی پدرم مرد و مادرم شوهر کرد، من در خانه عموم رفتم یک روز زن عموم گفت برادرم تو را

میخواهد. اصلاً نفهمیدم چی شد یک هو چشم وا کردم دیدم تو خانه شوهرم.

برای دختران دم بخت نیز، ازدواج به عنوان امر بدیهی‌ای بود که آنها را به انجام وظایفی مطابق با وظایف مادران شان و می داشت و پایگاه اجتماعی آنها را تغییر می داد. بنابراین در این راستا زنان می بایست برای همسران خود تعداد زیادی فرزند به دنیا آورند که اهمیت کارکرد تولید مثل خانواده را نشان می دهد.

### گروه سنی دوم

این گروه مجموعاً شامل ۲۴ نفر (۱۵ مرد و ۹ زن) در هر دو خانواده می باشند.

#### اهمیت و کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده

در این گروه تحت تأثیر وقایع تاریخی صورت گرفته (جنگ و شهید شدن تعدادی از مردان روستایی) با وجود عمومیت ازدواج، اختلالاتی در این امر صورت پذیرفته بود. بطوری که در بعضی از ازدواجها تناسبات تا حدود زیادی رعایت نشده بود (که شاید علت آن برهم خوردن ساختار جنسی و سنی جمعیت در اثر بروز جنگ تحمیلی و شهید شدن تعدادی از جوانان روستایی باشد. از این روستا

حدود ۵۰ نفر در قالب سرباز و بسیجی به جبهه‌های جنگ رفتند که از این تعداد ۱۸ نفر شهید، ۳ نفر مفقودالثر و ۴ نفر آزاده می‌باشند). در این ارتباط خانمی (خانم ص - ش متولد ۱۳۴۵) از گروه فرعی ۲ از گروه سنی دوم و خانواده الف عنوان داشتند:

«برای این که تا سن ۳۶ سالگی ازدواج نکرده بودم، پدرم خیلی ناراحت بود. بنابراین وقتی شوهرم (متولد ۱۳۳۱) که فردی مطلقه و با یک فرزند دختر بود به خواستگاری ام آمد، فوراً پدرم به این ازدواج راضی شد. بعداً فهمیدم که حتی پدرم از این که همسر معتاد هم بوده خبر داشته». خانم دیگری (خانم ع - م متولد ۱۳۴۹) از همین گروه سنی و فرعی و خانواده ب نیز در سن ۳۰ سالگی مجبور به ازدواج با فردی که ۲ سال از وی کوچکتر بود، شده بود. به نظر می‌رسید ایشان این موضوع را برای خود نقصانی می‌دانست و به شکل افراطی برای جبران این نقصان (از نظری) به آرایش ظاهر خود می‌رسید و در کنار این رفتار، بی‌تناسب با بقیه زنان در این گروه سنی برای کمک در امور اقتصادی خانواده به پختن رب و شیرینی برای فروش در بازار می‌پرداخت.

در این دوران، در گروه سنی دوم و فرعی ۱، به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان در نتیجه بهبود وضعیت کشت (ناشی از ورود آب کانال در سالهای ۵۶-۱۳۵۵) کم کم خانواده از شکل گسترده خود خارج شد. بطوری که در گروه فرعی ۲ با پیشرفت‌های فرهنگی ناشی از ورود تلویزیون و مدرسه در بعد از انقلاب اسلامی این اتفاق شدت بیشتری یافت و جدایی فرزندان از خانواده گسترده برای عمده روستاییان در این دو خانواده فرصت مغتنمی قلمداد می‌شد. در این ارتباط (آقای ج. م متولد ۱۳۴۷) از گروه سنی دوم و فرعی ۲ و از خانواده ب گفتند:

«الان خیلی راحت شدیم، قبلاً جلوی مادرم و برادرم نمی‌توانستم دو کلمه حرف با خانمم بزنم. اصلاً موهای خانمم را نمی‌دیدم. دائماً خانمم جلوی برادرم باید روسری سر می‌کرد».

اهمیت فرزند به لحاظ بعد خانواده (تعداد فرزندان و کارکرد فرزندآوری):

در این دوران به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی و پیشرفت طرح دشت قزوین و حرکت به سوی مکانیزه کردن کشت و پیشرفت امکانات جامعه و همین‌طور تا حدودی جا افتادن ارزشهای ترویج شده توسط سپاهیان بهداشت، کم‌کم نرخ زاد و ولد کاهش یافت. در این ارتباط خانمی (خانم ز - ش متولد ۱۳۴۱) از گروه سنی دوم و فرعی ۱ و از خانواده الف عنوان داشتند:

«به قدری خانم مافی که در بهداری آن زمان فعالیت می‌کرد زنان روستایی را تحقیر می‌کرد، زنان جرأت نمی‌کردند که به تعداد زیاد باردار شوند. چون واقعاً همه زنان از ایشان می‌ترسیدند ولی در کل ایشان خانم خوبی بود و برای خودمان می‌گفت که کمتر باردار شوید».

بطور کلی اکثر افراد در گروه سنی دوم و فرعی ۱ در هر دو خانواده، علت کاهش تمایل به داشتن فرزندان بیشتر را حرکت به سوی مکانیزه شدن کشت و آسان‌تر شدن فعالیت‌های روزمره در این دوران نسبت می‌دهند.

همانطور که در جداول اول ۴ و ۶ کاهش تعداد فرزندان در گروه سنی دوم و فرعی ۲ در هر دو خانواده کاملاً محسوس می‌باشد. ولی در گروه فرعی ۲ علت کاهش زاد و ولد، علاوه بر علل فوق‌الذکر به موارد دیگری نیز نسبت داده می‌شود. موظف بودن والدین به فراهم آوری کلیه امکانات برای فرزندان؛ بالا رفتن توقعات فرزندان و بالا رفتن هزینه‌های زندگی؛ مهم شدن تربیت مناسب فرزندان و توجه ویژه به آنها؛ مهم شدن رفاه مادران و توجه به ظاهر و اندام که با بارداری‌ها و شیردهی‌های مکرر منافات دارد؛ عدم منتفع شدن خانواده‌ها از فعالیت‌های فرزندان.

در این گروه سنی (دوم) تحت تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته در جامعه روستایی (بویژه در گروه فرعی ۲) کم کم جذبه‌های جنس مؤنث برای جنس مذکر و در حد ضعیف‌تری جذبه‌های جنس مذکر برای جنس مؤنث مهم‌تر می‌گردد و همه مردان و همه زنان بصورت افرادی یکسان و فاقد تفاوت‌های ظاهری و باطنی در چشم جنس مخالف خود بروز نمی‌نمایند. افراد دارای ذائقه‌ها و سلیقه‌های گوناگونی می‌گردند و جنس مؤنث تنها وسیله‌ای برای تولید مثل و سرو سامان دادن به زندگی جنس مذکر قلمداد نمی‌شود، بلکه یافتن شریکی که نقشهای همسری خود را به خوبی (منظور در آن حدی است که طرفین از یکدیگر انتظار دارند) ایفا نماید (فارغ از ایفای نقشهای مادری‌اش) از ملزومات مهم ازدواج از طرف مردان قلمداد می‌گردد.

در گروه سنی دوم و فرعی ۱، عمده افراد علت تغییر نقش زن (نه فقط به عنوان عامل تولید مثل در خانواده) را به اعمال قوانینی مثل قوانین حمایت از خانواده (۱۳۴۶) نسبت می‌دهند و چنین قوانین و حضور سپاهیان بهداشت در این روستا از بعد از اصلاحات ارضی ۱۳۴۷ را در این تحولات دخیل می‌دانند. در این گروه فرعی اگر چه عشق بین همسران از داشتن فرزندان متعدد مهم‌تر قلمداد می‌شود، ولی همچنان نفوذ والدین و اعمال نظر آنها در ترغیب و یا اجبار فرزندان در داشتن فرزندان بیشتر، وجود داشته است. زیرا هنوز به دلیل عدم گسترش مکانیزاسیون و بهبود اقتصادی فرزندان، نیاز به تعداد بیشتر فرزند و حرف شنوی از والدین وجود داشته است. در این ارتباط آقای (آقای ع - ش متولد ۱۳۳۴) از خانواده الف عنوان داشتند:

«وقتی خانم بچه چهارم را به دنیا آورده بود و هنوز زیر سرم بود مادرم می‌گفت ۴ تا بچه چیه، باید یک زن بچه‌های زیادی برای شوهرش بزاید».

در گروه سنی دوم و فرعی ۲، با وجود ترویج ایده‌هایی مثل جنگ و انقلاب و تشویق به تولید مثل در زمان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی این اتفاق فوراً محقق نگشت. زیرا برای به ثمر رسیدن این نوع تصمیمات و تغییر در طرز تلقی‌ها، گذشت زمان لازم نیاز است و به یکباره امکان پذیر نمی‌باشند. همانطور که تلاشهای سپاهیان بهداشت فوراً به ثمر نرسید و عمدتاً ایده‌های گروه سنی دوم (نه گروه سنی اول) را نسبت به این موضوع به چالش کشاند. علاوه بر این کم کم با بهبود نسبی وضعیت

اقتصادی روستائیان با بهره‌برداری از آب کانال طالقان در حدود سالهای ۵۶-۱۳۵۵ و پیشرفت‌های اجتماعی جامعه روستایی و آسانتر شدن فعالیت‌ها، نیاز به تعدد فرزندان تا حدود زیادی منتفی بود. در گروه فرعی ۲ نیز کم‌کم با بالا رفتن سطح فکری و فرهنگی افراد در این گروه، به بارداری به عنوان یک تصمیم شخصی نگریسته شد که در آن اعمال نظرهای والدین راهی نداشت (تا قبل از آن افرادی که بلافاصله پس از ازدواج تصمیم به بارداری نمی‌گرفتند مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گرفتند و به آنها نازا خطاب می‌شد). در این گروه افراد معتقدند از آن‌جائیکه نفوذ والدین کمتر شده است، زنان مجبور به بارداری‌های مکرر برای کسب پایگاه اجتماعی بالاتر در بین فامیل نیستند. زیرا در بین مردان و زنان این گروه، عقاید جدیدی پدید آمده است که داشتن تعداد فرزندان بیشتر را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. مردان داشتن همسری با ظاهر آراسته و خوشرو را ترجیح می‌دهند (تا همسرانی خسته از بچه‌داری و با ظاهری آشفته). آنها معتقدند امروزه از عهده کلیه امورات منزل خود برمی‌آیند (به علت ماشینی شدن عمده کارهای خانه) بنابراین، همسران خود را برای انجام امورات خانه‌داری و صرفاً بچه‌داری نمی‌خواهند. در این ارتباط آقایی (آقای ج - م متولد ۱۳۴۷) از خانواده ب عنوان داشتند:

«همین ۲ تا بچه‌ای که داریم بس است. من می‌خواهم وقتی به خانه می‌آیم خانم با روی خوش کنارم بنشینند و یک چای با هم بخوریم و گرنه زندگی سرد می‌شود. از صبح تا شب کار می‌کنم پس به چه امیدی به خانه بیایم. زندگی که فقط خوردن غذا نیست. دیگر این روزها با این همه وسائل برقی، غذا پختن که کاری ندارد. من که لنگ یک بشقاب غذا درست کردن نیستم.»

در بین زنان نیز این ایده گسترش یافته است (تحت تأثیر برنامه‌های تلویزیون، سخنرانی‌های مذهبی در مساجد و...) که آنها باید خود را برای همسران خود بیارایند و تنها وظیفه‌شان تولید مثل نیست. در این ارتباط خانمی (خانم ص - ش متولد ۱۳۴۵) از خانواده الف عنوان داشتند:

«سطح فکری مردم بالا رفته و مثل قدیم نیست که تا مدت کوتاهی از ازدواج می‌گذشت و خانم حامله نمی‌شد حرف و حدیث‌ها شروع می‌شد.»

آنها دیگر همانند مادرانشان که در طول شبانه روز و هفته یک لباس به تن داشتند، رفتار نمی‌نمایند و ابراز محبت کلامی را نشانه بی‌حیاگی (برخلاف مادرانشان) نمی‌دانند و معتقدند برای بهداشت روانی خانواده باید از این راهکارها استفاده کرد تا فرزندان در این فضای مهر و محبت، اصول زندگی بهتر را آموزش ببینند. در این ارتباط خانمی (خانم ع - م متولد ۱۳۴۹) از خانواده ب عنوان داشتند:

«اگر محبتی در قلب باشد و گفته نشود سردی می‌آورد. باید زنان به شوهرانشان بصورت زبانی ابراز محبت کنند. این را به شوهرم هم می‌گویم ولی او می‌گوید من با عملم نشان می‌دهم و دوست ندارم دائماً بگویم.»

### گروه سنی سوم

این گروه مجموعاً شامل ۶۶ نفر (۳۵ مرد و ۳۱ زن) در هر دو خانواده می‌باشد. اهمیت و کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده:

در گروه سنی سوم و فرعی ۱، میانگین سن ازدواج در هر دو خانواده تفاوت فاحشی را با گروه سنی قبلی نشان می‌دهد و شاهد بروز پدیده برهم خوردن نامزدی در این گروه سنی هستیم (۱ نفر در این گروه فرعی ولی تعداد زیادی در سطح روستا).

در گروه فرعی ۲ از همین گروه سنی، با توجه به سن ازدواج دو متأهل زن در خانواده الف، به نظر می‌رسد میانگین سن ازدواج زنان در مقایسه با گروه‌های فرعی دیگر در این گروه سنی و گروه‌های سنی دوم، پایین‌تر آمده باشد. در واقع در موج جدید ایجاد شده، تمایل دختران به ازدواج در سنین پایین‌تر شده است و بعضی از دخترانی که تمایل به ادامه تحصیل داشتند، آن را در تضاد با ازدواج خود در سنین پایین نمی‌دانستند و ازدواج را اولویت نخست خود می‌شمردند. والدین این دختران (دختران گروه سنی سوم و فرعی دوم) علت این پدیده را بالا رفتن سن ازدواج دختران در گروه سنی دوم می‌دانستند و آنها نیز می‌خواستند دخترانشان در سنین مناسب‌تری (پایین‌تر از دختران گروه سنی دوم) اقدام به تشکیل خانواده بنمایند. بنابراین بعضی از مادران با اذعان به آگاهی از روابط دختران خود (در سنین راهنمایی) با جنس مذکر، آن را مهمترین روش همسریابی در سنین پایین می‌دانستند. زیرا از یک طرف سیستم‌های خانوادگی گذشته که شرایط ازدواج دختران و پسران را فراهم می‌آوردند تا حدود زیادی با اختلال در کارکرد روبرو شده‌اند و از طرف دیگر برهم خوردن تناسبات سنی و جنسی در گروه سنی دوم، ناشی از بروز جنگ و شهید و مفقود و اسیر شدن تعدادی از جوانان این روستا و بروز پدیده مجرد ماندن تعدادی از دختران تا حدود سنین ۴۰-۵۰ سالگی که به تنهایی زندگی می‌کردند (زیرا در شرایط فعلی هیچ یک از خانواده‌ها به دلیل محترم شدن حریم خصوصی و... حاضر به زندگی با فردی خارج از حیطه خانواده هسته‌ای خود نیستند) باعث نوعی ترس از مجرد ماندن هم‌درین دختران این گروه سنی و هم‌والدین آنها شده بود.

در این گروه سنی به دلیل محترم شدن حریم خصوصی همسران، حتی دختران و پسران در آستانه ازدواج حاضر به زندگی در خانه‌های مستقل و حیاط مشترک با والدین خود نبودند. اهمیت فرزند و بعد خانواده (تعداد فرزندان) و کارکرد فرزندآوری:

در جریان تحولات صورت گرفته در جامعه روستایی از میزان اهمیت تعداد بیشتر فرزندان به شدت کاسته شده است و امروزه تعداد بیشتر فرزندان، نه تنها نشان از پایگاه اجتماعی بالاتر آن خانواده نمی‌باشد بلکه نشان از بی‌فرهنگی و بی‌فکری آنها در جامعه روستایی محسوب می‌شود. همانطور که در جدول ۷، ۸، ۹، ۱۰ مشاهده می‌شود این کاهش در تمام گروه‌های فرعی در هر دو خانواده الف و

ب قابل ملاحظه می‌باشد. بطوری که هیچ يك از افراد بیش از دو فرزند ندارند و عمدتاً افراد تك فرزند می‌باشند و تعدادی از افراد با وجود تأهل هنوز تصمیمی برای به دنیا آوردن فرزند ندارند و آن را به زمانهای دیگری در آینده موکول می‌نمایند. در گروه فرعی ۲ نیز فقط در خانواده ب دو متأهل وجود دارد که هر دو هنوز تصمیمی برای بارداری ندارند. علل ایجاد چنین تحولی در ساختار خانواده در گروه فرعی ۱ و ۲ طبق نظرات افراد در این گروه این است که تحصیلات و تربیت فرزندان و توجه و محبت به آنها در اثر تبلیغات رسانه‌های گوناگون مهم شده است و مستلزم صرف زمان بیشتری است. از طرف دیگر توجه به رفاه و زیبایی اندام باعث شده عده‌ای از زنان حاضر به بارداری‌ها و شیردهی‌های مکرر و شب‌بیداری‌های پس از زایمان نباشند. عده‌ای نیز معتقدند که این روزها افراد صبر و طاقت مادران خود را ندارند و نمی‌خواهند عمر خود را صرف زایمان و شیردهی نمایند و در اثر مصرف غذاهای بی‌خاصیت زنان بی‌بنیه‌تر از مادران خود شده‌اند و نمی‌توانند فرزندان خود را به خوبی تغذیه نمایند. عده‌ای دیگر از پرتوقع شدن فرزندان و گرانی بعنوان عامل کم شدن زاد و ولد یاد می‌کنند. عده‌ای نیز دغدغه تهیه کلیه امکانات برای فرزندان خود را دارند تا آنها بتوانند در حد استانداردهای شهری زندگی نمایند؛ عده‌ای نیز معتقدند که این روزها، فرزندان عصای دست پیری والدین شان نیستند و بیش از آنکه والدین از آنها منتفع گردند باید برای آنها هزینه نمایند.

در گروه سنی سوم و فرعی ۲، عده‌ای کم سن و سال بودن خود را برای مادر شدن (۱۸ سال) و یا زندگی در خانه اجاره‌ای را عامل عدم اقدام برای بارداری دانستند. در گروه فرعی ۱ و ۲، همه زنان از ابزار جلوگیری از بارداری (ناشی از تبلیغات بهداشتی روستا) استفاده می‌کردند و آن را در کاهش بارداری‌ها بسیار مؤثر می‌دانستند. آنها عنوان داشتند اگر چه امروزه دوباره تبلیغاتی برای داشتن تعداد بیشتر فرزندان می‌شود، ولی هیچ کس با وجود این شرایط (فوق‌الذکر) حاضر به بارداری‌های مکرر نمی‌باشد و گاهی به شوخی می‌گفتند حالا شاید به خاطر یارانه تصمیم به بچه‌دار شدن بگیریم. در این ارتباط خانمی (ف-ب) متولد ۱۳۶۱ از خانواده الف می‌گوید:

«ما با پول یارانه هر ماه می‌رویم رستوران و جلوکباب می‌خوریم مگه با این پولها میشه بچه داری کرد».

در این گروه سنی در جریان تحولات صورت گرفته با تغییرات فراوانی روبرو شده است بطوری که اگر روزی تنها و یا در معنای درست تر هدف غالب خانواده به جریان انداختن کارکرد تولید مثل در کانال شرعی و جامعه پسند بود، امروز اگر نگوئیم تنها هدفش ارضای نیازهای جنسی است، ولی باید اذعان داشت که هدف غالب آن می‌باشد و کارکرد تولید مثل به عنوان حاشیه این متن مهم قرار گرفته است. بطوریکه این کارکرد، کل شئونات خانوادگی را تحت الشعاع خود قرار داده است. امروزه توجه به رفع نیازهای جنسی و تنوع یافتن نحوه برآوردن آن که از طرق مختلف، خانواده‌ها در معرض آن قرار گرفته‌اند، به امر بسیار مهمی در خانواده‌ها بدل شده است. بطوری که بعضی از دختران و پسران جوان با پشت پا

زدن به حیثیت و آبروی خانواده‌های خود و دل و جان سپردن به وسوسه‌های این غرایز آتشین جوانی که هر روزه نیز در برنامه‌های ماهواره‌ای به آن پرداخته می‌شود، دست به اقدامات نسنجیده و ناپخته‌ای می‌زنند که هم خود و هم خانواده‌های خود را دچار مشکلات اساسی کرده‌اند. زیرا بلوغ زودرس جنسی که از طریق دسترسی به انواع محصولات فرهنگی نامناسب پدید آمده، بدون بروز یافتن بلوغ فکری و اجتماعی شخص و جلوتر از آن، به راه افتاده است و خانواده را از شکل گذشته که بصورت تابویی مطرح بود، خارج ساخته و محل تاخت و تاز خود قرار داده است. بطوریکه حتی در بعضی مواقع، آتش این غرایز بعد از ازدواج فرد نیز فروکش نمی‌کند و گاهی این تنوع‌طلبی‌های خارج از دایره عرف و انسانی، کانونهای خانوادگی را از هم می‌پاشاند و خانواده‌های درگیر این معضلات اجتماعی را انگشت‌نمای جامعه می‌سازد.

در گروه سنی سوم و فرعی ۱، هیچ یک از اعضای این گروه کارکرد تولید مثل را بر اضای نیازهای جنسی مرجح نمی‌دانستند و معتقد بودند که در ایجاد این طرز تفکر، خدمات بهداری (نقش هدایت‌گری و آموزش مردم روستایی در تفکیک قائل شدن بین نیازهای جنسی و فرایند تولید مثل) بسیار مؤثر بوده است. بطوری که حتی داشتن تعداد فرزندان کمتر (و به ویژه ۲ فرزند) در جامعه روستایی بصورت یک مد درآمد و خانواده‌ها در این مورد نیز با هم به چشم و هم‌چشمی می‌پردازند. تحت این شرایط، تصمیم به بارداری یک تصمیم کاملاً تحت کنترل فرد محسوب می‌شود و کلیه اعضای این گروه به این امر اعتقاد یافته‌اند که باید در کنار فردی زندگی کرد که به انسان آرامش می‌دهد، نه صرفاً فرزند. آنها فلسفه ازدواج را رسیدن به آرامش قلمداد می‌کنند. بطوریکه حتی کسانی که پس از مدت کوتاهی بعد از ازدواجشان صاحب اولاد شده بودند، از این امر احساس ناراضی می‌کردند.

اغلب زنان در این گروه برای گرم کردن روابط بین خود و همسرانشان به انواع روش‌ها متوسل می‌شدند (لباسهای متنوع و راحت در طول شبانه روز، انتخاب آرایشهای خوشایند همسران، ابراز عشق زبانی و...). آنها نقش بعضی از برنامه‌های ماهواره‌ای را در نمایش بعضی از روابط بین همسران در گرما بخشیدن به زندگی زناشویی خود مؤثر می‌دانستند و معتقد بودند که والدین آنها (مادرانشان) در آموزش این نوع روابط به آنها بسیار ضعیف عمل کرده بودند. زیرا خودشان نیز تحت این آموزش‌ها قرار نگرفته بودند تا بخواهند آن را انتقال دهند. آنها با حالتی دلسوزانه عنوان داشتند که حتی مادرانشان برای ابزار محبت خود به همسرانشان شرم و حیا داشتند.

در گروه سنی سوم و فرعی ۲ نیز جاذبه‌های جنس مذکر و مؤنث برای طرفین، به شدت کارکرد تولید مثل خانواده را تحت الشعاع خود قرار داده است به گونه‌ای که افراد متأهل عنوان داشتند تا زمانی که احساس خلأ و کمبودی در زندگی زناشویی مان پدید نیاید، مبادرت به فرزندآوری نمی‌کنیم. البته در بعضی از افراد در این گروه سنی، هیچ تمایلی برای پیدا کردن فرزند وجود نداشت (البته تعداد کمی).

برای یافتن اطلاعات بیشتر از طرز تفکر دختران در این طیف سنی در این زمینه به مجتمع آموزشی بیاضیان واقع در روستا مراجعه کردم. نوشته‌های روی دیوارهای بیرون مدرسه خود گواه تغییرات عجیبی در جامعه روستایی بود. روی دیوارها مملو از شماره موبایل با ذکر نام که دختران را برای مکالمات تلفنی و دوستی دعوت کرده بودند و یا نوشته‌هایی که با آن تولد بعضی از دختران را تبریک گفته بودند و یا برهم خوردن مراسم نامزدی بعضی از دختران را با نوشته‌هایی بر روی دیوار اعلام کرده بودند، به چشم می‌خورد. طبق نظر مدیر و مربیان این مجتمع آموزشی، علت این اتفاقات به بلوغ زودرس دختران در سالهای گذشته مربوط می‌شد. بطوری که دختران مقطع سوم راهنمایی، تحت تأثیر محصولات فرهنگی نامناسب خود را در سن ازدواج می‌بینند و به شدت در صدد یافتن همسری برای خود هستند. تغییرات ایجاد شده در گروه سنی اول و دوم در اثر تأثیرات ارزشی گروه سنی سوم:

امروزه بسیاری از افراد در گروه سنی دوم و تا حدودی در گروه سنی اول معتقدند که نسل سوم تصمیمات مناسب‌تری نسبت به آنها برای انتخاب تعداد فرزندان خود اتخاذ کرده‌اند و اظهار می‌دارند که اگر در گذشته پدید آمدن این‌گونه پیشرفت‌ها در جامعه روستایی قابل تصور بود، دیگر خانواده‌ها برای بدست آوردن نیروی کار اضافی، مبادرت به فرزندآوری‌های مکرر نمی‌نمودند. البته آنها به این نکته نیز اشاره داشتند که توقعات فرزندان در طول نسل‌های مختلف بسیار متفاوت شده است و اگر نسل سوم امروزه حاضر به بارداری‌های مکرر نیست، به این دلیل است که دیگر فرزندان به عنوان عامل کمک‌کننده به اقتصاد خانواده محسوب نمی‌شوند، بلکه نگهداری از آنها مستلزم صرف هزینه‌های گوناگون می‌باشد و با توجه به سیل برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، دسترسی فرزندان به کامپیوترهای شخصی و ... تربیت و پرورش فرزندان بسی سخت‌تر از زمان گذشته است، ولی این شرایط در زمان فرزندآوری آنها وجود نداشته است. یکی از مردان (آقای م - ح متولد ۱۳۳۳) در گروه سنی دوم می‌گوید:

«زمانه عوض شده، کی ما مثل بچه‌های این دوره زمانه بودیم. وقتی مادرمان برای شستن لباس سرآب می‌رفت، ما جرأت نداشتیم از کنار آب جم بخوریم ولی حالا بچه‌ها می‌خواهند آدم را بخورند، پرتوقع، لوس و پررو شده‌اند، معلوم است با این وضع کسی یکی را دو تا نمی‌کند. البته آن موقع‌ها فقط مادر و پدر ما را تربیت نمی‌کردند مادر بزرگ، پدر بزرگ و ... همه به ما امر و نهی می‌کردند ولی حالا کسی جرأت ندارد بگوید بالای چشم بچه‌ات ابرو است. عیب ندارد بگذار خودشان بچه‌هایشان را از روی کتاب و برنامه‌های تلویزیون تربیت کنند ببینیم چه می‌شوند».

بطور کلی به دنبال پیشرفت‌های اقتصادی (امکان استخدام نیروی کار)، اجتماعی (ارتباط با مناطق شهری، گسترش مکانیزاسیون) و فرهنگی (گسترش وسائل ارتباط جمعی) جامعه روستایی، بروز ارزشهای رفاه‌طلبانه (که با فرزندآوری‌های مکرر در تضاد است) در گروه سنی اول و به میزان اولی‌تر در گروه سنی دوم از اهمیت کارکردی تولید مثل در خانواده کاسته شده است و بویژه در گروه سنی دوم

توجهات بیشتری نسبت به گذشته به اهمیت روابط جنسی به عنوان یکی از ارکان مهم ایجاد انس و الفت در خانواده ابراز می‌شود. در این راستا، بسیاری از زنان در گروه سنی اول از این که در دوران جوانی شان هیچ لذتی از زندگی شان نبرده بودند و دائماً در حال بارداری و شیردهی بودند، احساس مغبنیت داشتند.

### نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد در گروه سنی اول مشکلات فرهنگی و اقتصادی موجود در جامعه مانع پذیرش ایده‌های جدید سپاهیان بهداشت در جهت کاهش موالید و کاهش مرگ و میر نوزادان شد و این ایده‌ها نتوانستند فوراً مورد پذیرش در این گروه سنی واقع شوند؛ زیرا یکی از کارکردهای مهم خانواده کارکرد تولید مثل و فرزندزایی توسط زنان بود که کارکرد کامیابی جنسی خانواده را تحت الشعاع خود داشت. در گروه سنی دوم کم کم با بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های روستایی در پی به ثمر رسیدن طرح دشت قزوین و آمادگی برای پذیرش ایده‌های سپاهیان دانش، از تمایلات افراد برای بارداری‌های مکرر بویژه در گروه فرعی دوم کاسته شد و کارکرد کامیابی جنسی و فرزندآوری تا حد قابل توجهی از هم تمیز داده شد. این روند با تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته بویژه بعد از دهه ۸۰ باعث شد در گروه سنی سوم شاهد کاهش چشمگیری در اهمیت کارکرد تولید مثل خانواده و افزایش روزافزون اهمیت کارکرد کامیابی جنسی خانواده‌های روستایی باشیم.

البته باید اذعان داشت مسایل دنیای امروز با آنچه در گذشته مطرح بوده است، بسیار متفاوت است و بسیاری از مسایل از محدوده محلی خارج شده و جهانی است و برای جلوگیری از تبعات مخرب آن ناگزیر به یافتن راهکارهای مناسبی هستیم. امروزه افراد (بویژه جوانان) در مسیر توسعه، در شاهراهی با ایده‌های رقیب مواجهند. از یک طرف ابزار مدرنیزاسیون مثل تحصیلات، ارتباطات و رسانه ها. . . بر نقش و اهمیت عاملیت آنها افزوده و از طرف دیگر به دلیل عدم فیلتر و هماهنگ سازی ایده‌های مطرح شده با مفاهیم اصیل اسلام، بسیاری از ارزش‌های غربی نامناسب از طریق همین ابزار مدرنیزاسیون وارد کشور شده است. به طوری که افراد بویژه افراد جوانتر (در این تحقیق عمدتاً افراد در گروه سنی سوم) را با یک خلا فرهنگی و ساختارهای دوگانه رویرو ساخته است؛ به طوری که آنها الگوی مناسبی ندارند و تعدادی از آنها بی تفکر و تعقل در دام برنامه‌ها و محصولات فرهنگی نامناسب غربی قرار می‌گیرند که هر روزه خانواده و ارزشهای آن را به چالش می‌کشند و وظایف خانواده‌ها را منقبض تر مینمایند و با محوریت قرار دادن کامیابی جنسی و یا به نمایش گذاشتن مبتذل ترین اشکال رفع این نیاز در خارج از چارچوب خانواده بر تفکرات افراد رسوخ کرده آنها را هدایت می‌کنند. در چنین شرایطی به طور افراطی همه کارکردهای خانواده تحت الشعاع رفع و برآورده سازی این کارکرد قرار خواهد گرفت.

رشد بی‌تناسب اهمیت این کارکرد، تا حدود زیادی کارکردها و ارزشهای دیگر خانواده را مختل ساخته است. بنابراین میتوان گفت ناتوانی نهادهای اجتماعی و صنعت - فرهنگ در پرکردن خلاءهای فرهنگی ایجاد شده در جهان امروز نقش عمده‌ای در تغییرات نامناسب ایجاد شده داشته است و این نهادها نتوانسته‌اند جایگزین مناسبی را برای جلوگیری از تبعات ورود ارزش‌های فرهنگی نامناسب فراهم آورند.

## منابع

- بستان (نجفی)، حسین و همکاران (۱۳۸۸)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- جلایی پور، محمدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷)، نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی، تهران: نشرنی
- حسینی حاتم (۱۳۸۶)، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳)، گرد شهر با چراغ، تهران: نشر عطار
- زارتسکی، ایلائی (۱۳۹۰)، سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی، (مترجم منیژه نجم عراقی)، تهران: نشرنی
- زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۶)، تحلیل رابطه آموزش و پرورش و نابرابری‌های جنسیتی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۹۱، صص ۷۰-۵۵
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵)، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱ ش ۲ صص ۳۷-۶۰
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶)، کشاکش آزاد جامعه‌شناسی، (مترجم هادی جلیلی)، تهران: نشرنی
- عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۸)، آرمان‌گرایی در توسعه و تغییر خانواده با تأکید بر متغیرهای جمعیتی در ایران، مطالعه موردی شهر یزد، پایان‌نامه دکتری گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- عسکری ندوشن، عباس، سیدعلیرضا افشانی، راضیه ذاکری هامانه و سمیه عسکری ندوشن، (۱۳۹۰)، تمایلات مصرفی زنان در شه‌ریزد، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، صص ۱۷۶-۹۳
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، انتشارات صبح صادق
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، گفتارهایی دربارهٔ یکپارچگی جهانی، جهان رها شده، (مترجم علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب)، تهران: انتشارات علم و ادب
- مارشال، کاترین، راس من، گرچن ب (۱۳۷۷)، روش تحقیق کیفی، (مترجم علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، ج ۲، انتشارات دارالکتب الاسلامیه

مک‌کارتی، جین ریبنز و روزالیند ادواردز (۱۳۹۰)، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، (مترجم محمد مهدی لبیبی)، تهران: نشر علم.

- Axinn, W. G. , L. D. Pearce, and D. Ghimire (1999) Innovations in life history Calendar applications, *Social Science Research* 28: 243-64.
- Baley, M. J (2004). More Power to the Pill: the Impact of contraceptive freedom on women's life cycle labour force participation, working paper (No: 04-WG01) Vanderbilt University
- BranFenbrenner, U. (1979). *The ecology of human development*, Cambridge, MA: Harvard University press
- Casper, L. M. and S. M. Bianchi (2002). *Continuity and Change in the American family*, Thousand Oaks CA: Sage
- Colter, M. (2010) *The Influence of modernization paradigm of people's Beliefs about family and social change*, [http://www-personal.umich.edu/~cmsm/index\\_files/Casual%20Models.pdf](http://www-personal.umich.edu/~cmsm/index_files/Casual%20Models.pdf)
- Dollard. J. (1935) .*Criteria for the life history*, New Haven, CT: Yale University Press
- Giele, J. Z. , and G. H. Elder. (Ed.s) (1998). *Methods of life course research: Qualitative and quantitative approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage
- Goldin, C & L. F Skatz (2000) Career and Marriage in the Age of the Pill. *American Economic Review* 90 (2): 416-465
- Jayakody, R., A. Thornton, and W. J. Axinn (2008) Perspectives on International family Change, pp:1-18 in *International family Change, Ideational perspectives*, Lawrence Erlbaum Associates, Taylor and Francis Group, New York: London
- Lehman, W. C (1979-1960) *John Millar of Glasgow: 1735-1801*, New York: Arno press
- Martyn, K. K, and R. F. Belli (2002). Retrospective data collection using event history calendars, *Nursing Research* 51: 270-74

- Mortimer, J. and M. Shanahan (2003) *Handbook of the life course*, New York: Klumer Academic/ Plenum publisher
- Nelson, I. A. (2010) *From Quantitative to Qualitative: adapting the life history calendar method*, 22 (1), 413-428.
- Newman, K. S. (2006) *Chut and ladders, Navigating the low – wage labor Market*, Harward University Press.